

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۱/۰۱/۲۳

موضوع: ادله شهادت ثالثه (۴)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

ما در رابطه با بحث شهادت ثالثه عرض کردیم که یکی از راه‌های اثبات مشروعیت شهادت ثالثه بحث وجوب حفظ شعائر اسلامی است. در رابطه با اصل وجوب حفظ شعائر اسلامی به برخی از آیات قرآن همانند:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید شعائر الهی را حلال ندانید.

سوره مائده (۵): آیه ۲

و امثال آن استناد کردیم. در ادامه گفتیم شهادت ثالثه از شعائر اسلامی است و در این خصوص نظر بزرگان، مراجع معاصر و غیر معاصر را نقل کردیم. همچنین در رابطه با اینکه شعار مذهب شعار دین است مفصل صحبت کردیم.

ما در این دو سه جلسه می‌خواهیم بحثی جدید و نو ارائه دهیم که نه تنها شیعه معتقد به حفظ شعائر مذهبی است، بلکه اهل سنت هم ملتزم به حفظ شعائر خودشان هستند.

در بسیاری از مستحباتی که اهل سنت دارند، معتقدند اگر در جایی موضوعی شعار شیعه شد واجب است ما این شعار را ترک کنیم و شعار سنی بودن را رعایت کنیم ولو اینکه این موضوع از موضوعاتی است که در سنت قطعاً به ما رسیده است. به دلیل اینکه این شعار با شعار سنی بودن ما نمی‌سازد ما باید آن را کنار بگذاریم. مشاهده کنید «ابن تیمیه» در این زمینه عبارتی دارد و می‌نویسد:

«اذا كان في فعل مستحب مفسدة راجحة لم يصر مستحبا»

اگر در کار مستحبی یک مفسده راجحه‌ای بود این عمل، مستحب بودن خود را از دست می‌دهد.

«ومن هنا ذهب من ذهب من الفقهاء إلى ترك بعض المستحبات إذا صارت شعارا لهم»

بعضی از فقهای ما گفته‌اند بعضی از مستحبات را باید ترک کنیم در صورتی که این مستحبات شعار شیعه باشد.

مشاهده کنید تعصب و حفظ شعار سنی بودن تا کجا می‌رود!! او می‌گوید: ما برای اینکه به شیعیان تشبیه نشویم شعار خودمان را باید حذف کنیم، ولو اینکه این امر مستحب باشد. او سپس می‌گوید:

«فلا يتميز السني من الرفضی»

اگر قرار باشد برخی از مستحبات که شعار شیعیان است را ما هم انجام دهیم شیعه از سنی شناخته نمی‌شود.

اگر چنین است شیعیان نماز صبح می‌خوانند و شما هم نماز صبح می‌خوانید. اگر می‌خواهید شبیه به شیعیان نشوید باید خواندن نماز صبح را کنار بگذارید و نماز صبح نخوانید.

همچنین شیعیان نوافل می‌خوانند یا حج عمره می‌روند. در این صورت به عنوان امر مستحب باید حج عمره را کنار بگذارید. خیلی عجیب است که او می‌گوید:

«فلا يتميز السني من الرفضى»

اگر قرار باشد برخی از مستحبات که شعار شیعیان است را ما هم انجام دهیم شیعه از سنی شناخته نمی‌شود.

«ومصلحة التميز عنهم لأجل هجراتهم ومخالفتهم أعظم من مصلحة هذا المستحب»

مصلحت تفاوت سنی از شیعه از این جهت که ما از شیعه دور باشیم و با آنها مخالفت کنیم از مصلحت یک مستحب بالاتر است.

خیلی عجیب است؛ واقعاً انسان نمی‌داند به حال این افراد گریه کند یا بخندد!

«وهذا الذى ذهب إليه يحتاج إليه فى بعض المواضع إذا كان فى الاختلاط والاشتباه مفسدة راجحة على مصلحة فعل ذلك المستحب»

این مطلب در مواردی است که اختلاط با شیعه و مشتبه شدن یک مفسده راجحه باشد بر مصلحتی که در این مستحب است.

ایشان در ادامه دلیل می‌آورد و می‌گوید: دلیل آن این است همانند لباسی که از شعائر کفار است. آنها عمامه زرد یا عرقچین کوچک را مثال می‌زنند و می‌گویند:

«وإن كان مباحا إذا لم يكن شعارا لهم كلبس العمامة الصفراء فإنه جائز إذا لم يكن شعارا لليهود فإذا صار شعارا لهم نهى عن ذلك»

همانطور که در مورد بعضی از لباس‌هایی که شعار یهودیان است نهی شده است که ما خود را به یهودیان تشبیه کنیم، در مورد شیعیان هم همینطور است.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٤، ص ١٥٤، فصل قال الراضی الوجه

الخامس فی بیان وجوب اتباع مذهب الإمامية

به بیان بهتر او می‌گوید: اگر برای شیعه امری شعار یا مستحب شد، لازم است که این مستحب را ترک کنیم برای اینکه شبیه به شیعیان نشویم.

این نظر کلی یکی از سران وهابیت است مبنی بر اینکه اگر یک امر مستحب شعار شیعه شد، این مستحب باید ترک شود تا ما شبیه به شیعیان نشویم. همانطور که اگر یک موضوع شعار یهودیان بود، ما موظف هستیم آن امر را ترک کنیم.

بنده در اینجا چند نمونه آوردم و تقاضا دارم عزیزان خوب دقت کنند. آقای «ابن حجر عسقلانی» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت متوفای ٨٥٢ هجری می‌گوید:

«اختلف فی السلام علی غیر الأنبياء»

فقهای ما اختلاف نظر دارند بر اینکه به غیر انبیاء می‌توانیم سلام بدهیم و صلوات بفرستیم یا خیر.

به عنوان مثال به شخصی بگوییم: «سلام الله علیه».

«بعد الاتفاق علی مشروعیته فی تحية الحی»

هیچ شکی نیست که وقتی ما به هم می‌رسیم، به همدیگر سلام می‌دهیم.

«فقيل یشرع مطلقاً وقيل بل تبعاً ولا یفرد لواحد لكونه صار شعاراً للرافضة»

اما اگر بخواهیم به غیر انبیاء سلام بدهیم بعضی معتقدند مطلقاً مشروع است و بعضی دیگر معتقدند مطلقاً مشروع نیست و به تبعیت از انبیاء می‌توانیم به غیر انبیاء سلام بدهیم ولكن جایز نیست به فرد خاصی سلام بدهیم. (به عنوان مثال حضرت فاطمه زهرا را (سلام الله علیها) یا امیرالمؤمنین را (سلام الله علیه) خطاب کنیم)، زیرا این شعار متعلق به شیعه شده است.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی،

دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۱۱، ص ۱۴۶

زمانی که شیعیان نام ائمه خود را می‌آورند سلام می‌دهند. به عنوان مثال زمانی که شیعیان نام علی بن ابی طالب که خلیفه چهارم ماست را می‌آورند سلام می‌دهند. به همین خاطر ما نباید سلام بدهیم!

باید بر عقل حضرات فقهایشان فاتحه خواند!!

جالب اینجاست که «ابن حجر عسقلانی» تقریباً چند سطر قبل از این می‌گوید: «ابن قییم جوزیه» که شاگرد «ابن تیمیه» است می‌گوید:

«المختار ان یصلی علی الأنبیاء والملائكة وازواج النبی وآله وذریته وأهل الطاعة علی سبیل الإجمال»

مختار ما اهل سنت این است که می‌توان بر انبیاء، ملائکه، پیغمبر اکرم و ذریه و آل آن بزرگوار صلوات فرستاد.

«وتكره فی غیر الأنبیاء لشخص مفرد بحيث یصیر شعارا»

و بر غیر انبیاء صلوات فرستادن مکروه است در جایی که به شکل شعار درآید.

«ولا سیما إذا ترک فی حق مثله أو أفضل منه كما یفعله الرافضة»

در جایی که در حق مثل علی یا افضل از علی ترک شده است همانند رافضه جایز نیست.

«فلو اتفق وقوع ذلک مفردا فی بعض الاحیین من غیر ان یتخذ شعارا لم یکن به بأس»

حال اگر در بعضی از موارد که ده مرتبه اسم علی را می‌بریم، یک مرتبه «صلوات الله و سلامه علیه» بگوییم به طوری که شعار و تشبیه به شیعیان نشود، اشکالی ندارد.

«ولهذا لم یرد فی حق غیر من أمر النبی بقول ذلک لهم وهم من أدی زکاته الا نادرا»

در آیات و روایات وارد نشده است که بر غیر نبی می‌توان صلوات فرستاد، الا قضیه اداء زکات.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۱۱، ص ۱۷۰، قوله باب هل یصلی علی

غیر النبی

این قسمت به این آیه شریفه اشاره دارد:

(حُدْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ)

و از اموال مؤمنان صدقات را دریافت کن که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی، و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی خاطر آنها شود و خدا شنوا و داناست.

سوره توبه (۹): آیه (۱۰۳)

مگر به زوجه «جابر» که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات فرستاد و آل «سعد بن عباد».

ایشان به صراحت می‌گویند: ما بر غیر نبی نمی‌توانیم صلوات بفرستیم، علی‌رغم اینکه خود او تلویحاً می‌گوید پیغمبر اکرم به غیر صلوات فرستادند. آن بزرگوار از هر کسی که زکات گرفتند، بر او صلوات فرستادند.

به عنوان مثال فردی بادیه نشین دیروز مسلمان شده است و امروز زکات خود را پرداخت می‌کند. در این موارد پیغمبر اکرم بر این اشخاص صلوات فرستادند. اگر قرار است پیغمبر اکرم الگو باشد، بر غیر خود و غیر انبیاء صلوات فرستاده است.

حال شما بگویید به دلیل اینکه زکات داده صلوات فرستاده است و ما القاء خصوصیت می‌کنیم. بنابراین معلوم می‌شود اجمالاً صلوات بر غیر نبی مشروع است.

بر فرض اگر غیر نبی به شما زکات دهد و صلوات بفرستید، آیا در آنجا هم ادعا می‌کنید بدعت است یا خیر؟! «زمخشری» می‌گوید:

«القیاس جواز الصلاة علی کل مؤمن»

جایز است ما بر هر مؤمنی صلوات بفرستیم.

«لَقَوْلِهِ تَعَالَى: (هُوَ الَّذِي يَصَلِّي عَلَيْكُمْ) (الأحزاب: ٤٣) وقوله تعالى: (وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَوَاتِكَ سَكَنٌ

لَهُمْ) (التوبة: ١٠٣) وقوله: (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ أَبِي أَوْفَى)»

سپس می‌نویسد:

«ولكن للعلماء تفصيلاً في ذلك»

علما در اینجا قائل به تفصیل شده‌اند.

«وهو أنها إن كانت على سبيل التبع كقولك: صلى الله على النبي وآله، فلا كلام فيها»

اگر بر پیغمبر اکرم صلوات بفرستیم و به دنبال آن صلی الله علی النبی و آله بگوییم، در آن حرفی نیست.

«وَأَمَّا إِذَا أَفْرَدَ غَيْرَهُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ بِالصَّلَاةِ كَمَا يَفْرَدُ هُوَ، فَمَكْرُوهٌ»

اما اگر نام پیغمبر اکرم را نیاوریم و بر فردی از اهلبیت صلوات بفرستیم، مکروه است.

«لأن ذلك صار شعاراً لذكر رسول الله، ولأنه يؤدي إلى الاتهام بالرفض»

اگر ما صلوات را بر غیر از رسول الله ذکر کنیم، متهم به رافضی بودن می شویم!

الكشاف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل، اسم المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمر

الزمخشري الخوارزمي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: عبد الرزاق المهدي، ج ٣،

ص ٥٦٨، ح ٩٠٨

بنابراین می گویند به دلیل اینکه از اتهام به رافضی بودن تبرئه شویم، باید به غیر انبیاء از جمله امیرالمؤمنین،

حضرت فاطمه زهرا و دیگر آل بیت پیغمبر اکرم صلوات نفرستیم. این مطالب ذیل تفصیل آیه:

(إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا)

خدا و فرشتگانش بر پیغمبر صلوات و درود می فرستند شما هم ای اهل ایمان، بر او صلوات و درود

بفرستید و با تعظیم و اجلال بر او سلام گوید و تسلیم محض او شوید.

سوره احزاب (٣٣): آیه (٥٦)

وارد شده است. تا اینجا قضیه روشن شد. با اینکه آقایان اهل سنت معتقدند ما اهل بیت را دوست داریم، شیفته

اهل بیت هستیم و مخالفت اهل بیت را نمی پذیریم؛ اما در کتب خود زمانی که نام پیغمبر اکرم را می برند، بدون

«آل» بر او صلوات می فرستند. یعنی می گویند: صلی الله علیه و سلم!

در سخنرانی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه زمانی که نام پیغمبر اکرم می‌آید، بدون «آل» بر آن بزرگوار می‌فرستند حتی به «آل» هم صلوات نمی‌فرستند. ظاهر قضیه این است که اهل سنت می‌خواهند به شیعه تشبیه نشوند. این در حالی است که حدود دوازده روایت صحیح در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» وارد شده است که از پیغمبر اکرم در مورد کیفیت صلوات بر آن حضرت سؤال می‌کنند. حضرت می‌فرماید: هر وقت بر من صلوات می‌فرستید بر «آل» من هم صلوات بفرستید.

«لا تصلوا علی الصلاة البتراء»

صلوات دم بریده بر من نفرستید.

«فقالوا وما الصلاة البتراء قال تقولون اللهم صل علی محمد وتمسكون بل قولوا اللهم صل علی محمد
وعلی آل محمد»

سؤال کردند: صلوات بتراء چه صلواتی است؟ فرمودند: صلواتی که بگویید اللهم صلی علی محمد و سپس بر آل محمد صلوات نفرستید.

الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علی
ابن حجر الهيثمی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد
الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج ۲، ص ۴۳۰، الفصل الأول فی الآيات الواردة فیهم

بنده به عنوان نمونه چند مورد عرض می‌کنم تفصیلش را خود دوستان کار کنند. در کتاب «صحیح البخاری» وارد شده است که «ابو سعید خدری» می‌گوید بعد از اینکه آیه شریفه:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا)

نازل شد؛

«قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا النَّسْلُ فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ»

گفتیم: یا رسول الله سلام را بلدیم، اما صلوات فرستادن چگونه است؟

قرآن کریم می‌فرماید: هم سلام بدهیم و هم صلوات بفرستیم. پیغمبر اکرم در جواب فرمودند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ»

سپس می‌نویسد:

«قال أبو صالح عن الليث عن محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابو صالح از ليث نقل می‌کند: هر وقت می‌خواهید صلوات بفرستید بر محمد و آل محمد صلوات بفرستید.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٤، ص

٤٥٢٠، ح ١٨٠٢

ذیل این روایت وارد شده است:

«وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ»

مشاهده کنید در یک روایت با نقل‌های متعدد نقل کردند صلوات بر محمد باید مقرون بر «آل» محمد باشد.

روایت بعد از «كعب بن عجرة» است. «عبدالرحمن بن ابي ليلا» به دیدارش می‌رود و می‌گوید:

«أَلَا أُهْدِي لَكَ هَدِيَّةً سَمِعْتُهَا مِنَ النَّبِيِّ»

آیا هدیه‌ای که از پیغمبر اکرم شنیدم را به تو تقدیم نکنم؟

تعصب را مشاهده کنید! در همین روایتی که «بخاری» از نبی اکرم نقل می‌کند که صلوات بر من باید با «آل» من مقرون شود هم نام پیغمبر اکرم را با «صلی الله علیه و سلم» آورده است! خیلی جالب است.

«فقلت بَلَى فَأَهْدِيهَا لِي»

گفتم: آری، آن را به من هدیه بده.

«فقال سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ»

پس گفت: از رسول خدا پرسیدیم که ای رسول خدا؛ درود فرستادن بر شما اهل بیت چگونه است؟

«فإن الله قد عَلَّمَنَا كَيْفَ نُسَلِّمُ عَلَيْكُمْ»

پس بدرستی که خداوند راه سلام کردن به شما را به ما آموخته است.

«قال قُولُوا اللهم صلِّ على مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كما صَلَّيْتَ على إبراهيم وَعَلَى آلِ إبراهيم»

فرمودند: بگوئید: خدایا بر محمد و آل او درود فرست همان گونه که بر ابراهیم و آل او درود فرستادی.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص

١٢٣٣، ح ٣١٩٠

مشاهده کنید آقای «بخاری» همین روایت را نقل می‌کند و در دو مورد نام پیغمبر اکرم را با «صلی الله علیه و

سلم» می‌آورد!

همانطور که در نرم افزار مشاهده می‌کنید بعد از «هَدِيَّةٌ سَمِعْتُهَا مِنَ النَّبِيِّ» عبارت «صلى الله عليه و سلم» وارد شده است.

همچنین در نرم افزار «جامع الكبير» وارد شده است: «سَمِعْتُهَا مِنَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و سلم)» و «سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و سلم)»، اما در ذیل آن می‌نویسد پیغمبر اکرم فرمود هرگاه خواستید صلوات بفرستید بگویید:

«قُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ»

این روایات هم از عجایب روزگار و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) است. «بخاری» در جای دیگر از «ابن ابی لیلیا» از «کعب بن عجره» نقل می‌کند که روزی پیغمبر اکرم پیش ما آمد و ما سؤال کردیم:

«أَلَا أُهْدِي لَكَ هَدِيَّةً إِنَّ النَّبِيَّ حَرَجَ عَلَيْنَا فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَلِمْنَا كَيْفَ نُسَلِّمُ عَلَيْكَ فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ»

پیغمبر اکرم فرمودند:

«قال قولوا اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على آل إبراهيم إنك حميدٌ مجيدٌ اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على آل إبراهيم إنك حميدٌ مجيدٌ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٥، ص

٢٣٣٨، ح ٥٩٩٦

این مورد هم نمونه‌ای از روایاتی که آقایان در چندین منبع نقل کردند. از طرف دیگر هم پیغمبر اکرم از صلوات بتراء نهی کرده است. حال سؤال اینجاست که صلوات بتراء چیست؟! «ابن حجر مکی» متوفای ۹۷۴ هجری می‌نویسد:

«صح عن كعب بن عجرة قال لما نزلت هذه الآية قلنا يا رسول الله قد علمنا كيف نسلم عليك فكيف

نصلى عليك»

پیغمبر اکرم فرمودند:

«قولوا اللهم صل على محمد وعلى آل محمد»

این روایت، همان روایت «صحيح بخاری» است که او نقل می‌کند. سپس می‌نویسد:

«ویروی (لا تصلوا على الصلاة البتراء)»

و روایت شده است که پیغمبر اکرم فرمود: بر من صلوات دُم بریده نفرستید.

«فقالوا وما الصلاة البتراء»

سؤال شد: صلوات بتراء چیست؟

«قال (تقولون اللهم صل على محمد وتمسكون بل قولوا اللهم صل على محمد وعلى آل محمد)»

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي

ابن حجر الهيتمي، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد

الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج ۲، ص ۴۲۹ و ۴۳۰، الفصل الأول في الآيات الواردة

فيهم

«ابن عقیل» شافعی مذهب همین روایت را در کتاب «العتب الجمیل» صفحه ۶ نقل می‌کند و می‌گوید: روایت صحیح است. همچنین این روایت در کتاب «النصائح الکافیة فی من یتولی معاویة» صفحه ۲۲۹ نقل شده است و راوی می‌گوید: این روایت صحیح است.

جالب اینجاست که آقای «خوئی» می‌نویسد:

«حتی أن ابن حجر وهو من أنصب النصاب روی فی صواعقه»

حتی ابن حجر که یکی از ناصبی‌ترین نواصب است، این روایت را در کتاب الصواعق المحرقة نقل کرده است.

کتاب الصلاة، نویسنده: السید الخوئی، ج ۴، ص ۲۷۳، ادامه پ ۱

مشاهده کنید کاملاً واضح و روشن است که صلوات باید با «آل» همراه باشد. همچنین روایات دیگری هم در رابطه با صلوات بتراء داریم.

یکی از دوستان از طلبه‌های «جامعة المصطفی العالمیة» جدیداً کتابی چهارصد صفحه‌ای به نام «الصلاة البتراء» نوشته است. بنده احساس می‌کنم ایشان در این مورد حق مطلب را ادا کرده است و تمام روایات و اقوال بزرگان در مورد کیفیت صلوات بر آل پیغمبر اکرم و نهی از صلوات بتراء را آورده است.

بنابراین با توجه به این مطالب ثابت شد که آقایان این موضوع را با این درجه اهمیت بیان می‌کنند. همچنین پیغمبر اکرم به صراحت می‌فرماید: اگر می‌خواهید بر من صلوات بفرستید، صلوات بر من باید مقرون به صلوات بر «آل» باشد ولی همین امروز ما می‌بینیم همین حضرات اهل سنت و مدعیان محبت اهل بیت عصمت و طهارت و آل پیغمبر اکرم در غیر از نماز بر آل محمد صلوات نمی‌فرستند.

گفتنی است آن‌ها در نماز مقید هستند که باید صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده شود، در غیر این صورت نماز باطل است. اهل سنت در تشهد نماز می‌گویند: «اللهم صلّ علی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کما صَلَّیت علی آلِ إِبْرَاهیم» و از آن به صلوات ابراهیمیه تعبیر می‌کند.

ولی متأسفانه آن‌ها وقتی از نماز بیرون می‌آیند در خطبه‌های نماز جمعه، سخنرانی‌ها، کتاب‌ها و مقالاتشان به هیچ وجه نام «آل» را مقرون بر نام پیغمبر اکرم نمی‌آورند، زیرا شیعیان هرکجا نام پیغمبر اکرم را می‌آورند و صلوات می‌فرستند بر «آل» آن بزرگوار هم صلوات می‌فرستند و این‌ها نمی‌خواند شبیه شیعیان شوند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته